

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «انقلاب»

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۰۹۳

تاریخ: ۱۳۹۳/۶/۱۱



شناسنامه

عنوان:

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
بررسی مفهوم «انقلاب»

مؤلف:

جواد محمدی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۰۹۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۶/۱۱

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۳.....	مقدمه
۴.....	چکیده
۵.....	درآمد
۵.....	۱. مفهوم شناسی
۵.....	۱،۱. مفهوم لغوی
۶.....	۱،۲. مفهوم اصطلاحی
۷.....	۲. مفاهیم مشابه
۷.....	۲،۱. اصلاحات سیاسی
۷.....	۲،۲. کودتا
۸.....	۲،۳. نافرمانی مدنی
۸.....	۲،۴. شورش
۸.....	۳. تاریخچه
۹.....	۴. اقسام و انواع انقلاب

۵. مبانی فقهی و حقوقی انقلاب ۱۰
- ۵,۱. مبانی فقهی ۱۰
- ۵,۱,۱. امر به معروف و نهی از منکر ۱۰
- ۵,۱,۲. اطلاق و عمومات جهاد و لزوم مبارزه با ظلم ۱۱
- ۵,۱,۳. لزوم خروج بر حاکم جائز و وجوب تبعیت از امام عادل ۱۲
- ۵,۲. مبانی حقوقی انقلاب ۱۳
- ۵,۲,۱. تعهد سیاسی و حق تمرد ۱۳
- ۵,۲,۲. حق تعیین سرنوشت ۱۳
۶. انقلاب در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران ۱۴
- جمع بندی ۱۶
- منابع جهت مطالعه بیشتر ۱۷
- منابع و مآخذ ۱۸

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنی نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی بر مدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام‌سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی مرکز تحقیقات شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام‌سازی اسلامی برداشته شود.

(انقلاب، الثورة، revolution)

چکیده

انقلاب و تئوری‌های مربوط به شکل‌گیری آن یکی از مباحث مهم در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی است که مورد بررسی اندیشمندان این علوم قرار گرفته است. اما به مفهوم انقلاب از منظر حقوق عمومی توجه چندانی نشده است که با توجه به اینکه تشکیل و تغییر حکومت‌ها معمولاً ثمره انقلاب‌هاست، بررسی مفهوم انقلاب در حقوق عمومی موضوعی جدی و حائز اهمیت است. در این نوشتار پس از بررسی اصطلاحی و لغوی این مفهوم، تاریخچه اجمالی انقلاب ذکر شده و سپس به مفاهیم مشابه پرداخته شده است.

اما رسیدن به مفهوم دقیق انقلاب علی‌الخصوص در ادبیات حقوقی نیازمند بررسی مبانی فقهی و حقوقی مفهوم انقلاب است که حق تعیین سرنوشت و تعهد سیاسی به عنوان مبانی حقوقی و امر به معروف و نهی از منکر که ضامن اجرای تمامی احکام اسلامی است به عنوان مبانی فقهی موضوع مورد بحث قرار گرفته است و در پایان نیز این مفهوم در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران بررسی شده است.

درآمد

مفهوم انقلاب را می‌توان عرصه مقابله نیروی اجتماعی و قدرت سیاسی دانست. نیروی اجتماعی شامل مردمی است که برای رسیدن به اهداف مشخص خود تحت فرامین رهبر انقلاب قرار دارند و قدرت سیاسی نیز عبارت است از عناصر حامی حکومت که مانع از به ثمر رسیدن انقلاب می‌شوند. باید اشاره کرد که تشکیل حکومت اصلی‌ترین زمینه اجرای احکام اسلامی و اعتلای کلمه توحید است. فلذا آرزوی دیرینه تشکیل حکومت اسلامی و نفی حکومت سلاطین جائر امری اساسی در بین مسلمین بوده است و راهکار رسیدن به این مقصود همان مفهوم انقلاب است.

حال با توجه به اینکه تحقق هر حکومتی منوط به براندازی حکومت‌های موجود است که بر اساس اصل حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش قابل بررسی است و بروز خارجی آن منوط به حرکت مردمی در قالب انقلاب است، و از سویی پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی نارسایی تحلیل‌های رایج از انقلاب‌های جهانی را به رخ همگان کشید و تبدیل به الگویی دست‌یافتنی جهت براندازی حکومت‌های جائر و تشکیل حکومت اسلامی برای مسلمانان جهان گردید که اثرات آن در جنبش‌های اخیر کشورهای اسلامی نیز مشهود است، اهمیت بررسی مفهوم انقلاب به عنوان قدم اصلی در نظام سازی اسلامی بیش از پیش مشخص می‌شود و نوشتار حاضر در پی تبیین این مهم است.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱. مفهوم لغوی

لفظ انقلاب در زبان عربی مصدر باب انفعال از ریشه قلب به معنی تغییر حالت^۱ است (ابن منظور، ج ۱ ص ۶۸۵) و با اینکه واژه‌ای عربی است در فارسی با بار سیاسی و معنای جدید خود، به معنای برگشتن از حالی به حال دیگر، دگرگون شدن، آشوب و شورش به کار می‌رود. (معین، ۱۳۸۹، ۳۸۷؛ عمید، ۱۳۶۳، ۲۱۰) که در زبان عربی این معنا را با واژه «الثوره» نشان می‌دهند (نخعی، ۱۳۹۰، ۱۴۰). فلاسفه نیز انقلاب شیء را عبارت از آن دانسته‌اند که ماهیت یک شیء به ماهیت شیء دیگری تبدیل گردد. (ملاصدرا، ۱۳۶۸، ۳۶۸). اما از سویی انقلاب ترجمه واژه (revolution) است که از ریشه لاتینی revolutio (بازگشت) اخذ

۱. تحویل الشیء عن وجهه

شده است و به معنای یک تغییر ناگهانی و عظیم و عموماً خشونت آمیز در حکومت و سایر ساختارهای وابسته به آن است.

۱.۲. مفهوم اصطلاحی

واژه انقلاب در اصطلاح علوم سیاسی با توجه به ابعاد گوناگون و متفاوت آن دارای تعاریف متعددی است. برخی انقلاب را عبارت از «تحوّلی سریع، اساسی و خشونت بار در ارزش‌ها و اسطوره‌های حاکم جامعه و در نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری و فعالیت و سیاست‌های حکومتی» می‌دانند. (هاتینگتون، ۱۳۷۵، ۳۸۵)

و برخی دیگر به معنای دگرگونی‌های فاحش و ناگهانی در نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه که ممکن است توأم با خشونت یا مسالمت آمیز باشد معنا کرده اند (داوود باوند، ۱۳۶۹، ۱). یا آن را «تحوّلی خشونت بار و مردمی که هدف بنیادین آن، تغییرات سریع و اساسی در ارزش‌ها و باورهای مسلط و ساختارهای اجتماعی و سیاسی یک جامعه می‌باشد» دانسته اند. (محمدی، ۱۳۸۰، ۳۲) استاد شهید مطهری نیز انقلاب را طغیان مردمی علیه نظم و وضع حاکم برای به وجود آوردن وضع و نظم دیگر که مورد آرزو و آرمان و ایده‌آل آنهاست می‌داند. (مطهری، ۱۳۶۰، ج ۲۴، ۱۹۶) با این وجود عناصر اصلی و ممیز انقلاب در تعاریف مختلف را می‌توان به این گونه بیان نمود:

۱- خروج و طغیان:

از آنجا که در چهارچوب قانون حاکم، مردم نمی‌توانند به خواسته‌های خود دست یابند و در بسیاری موارد چاره‌ای جز اعمال قدرت مردمی از طرق غیرقانونی و طغیان علیه حکومت ندارند، مشخصه اصلی انقلاب را خروج و طغیان دانسته‌اند. در منازعه انقلابی، نه حکومت بدون مقاومت تسلیم انقلابیون می‌شود و نه انقلابیون دست از طغیان بر می‌دارند. هرچند مفهوم و معیارهای انقلاب در سده اخیر با بروز حرکت‌های موسوم به انقلاب نرم دچار تحول گردیده است و شاخصه‌هایی مانند خشونت در انقلاب‌های امروزی ملاحظه نمی‌شود، (قدوسی زاده، ۱۳۹۰، ۲۹) اما همچنان انقلاب‌های نرم نیز عاری از خروج و طغیان نیستند.

۲- مردمی بودن:

منازعه انقلابی، منازعه‌ای است که در آن بخش عمده‌ای از جمعیت به صورتی مؤثر بسیج می‌شوند. ویژگی مشارکت توده‌ای در منازعه انقلابی موجب تمیز انقلاب از منازعات

دیگر است. منظور از توده در این جا کلیه گروه‌ها و یا طبقاتی است که جزء گروه یا طبقه حاکمه به شمار نمی‌آید و یا به عبارتی دیگر فاقد قدرت سیاسی هستند.

۳- رهبری و سازمان:

رهبر نقش بسیج کننده دارد و بسیج توده‌ها نیازمند نفی گذشته و بهره مندی از ایدئولوژی مناسب و نقشه راه جهت هدایت انقلاب است. (گی روشه، ۱۳۶۶، ۱۴۵).
با این تفصیل انقلاب را می‌توان " اتحاد و بسیج نیروی‌های مردمی توسط رهبر یا رهبران انقلاب در راستای براندازی حکومت سیاسی و ایجاد حکومتی جدید بر اساس اعتقادات آنان" دانست.

۲. مفاهیم مشابه

۲.۱. اصلاحات سیاسی

اصلاح یا رفرم، تغییر آرام و تدریجی، مسالمت‌آمیز و روبنایی در یک نظام است که معمولاً در جامعه‌ای متعادل اتفاق می‌افتد. اصلاحات، از بالا و از سوی خود دولت‌مردان به وجود می‌آید؛ از این رو چه بسا پایگاه مردمی نداشته باشد. اصلاحات ممکن است با رسیدن به تغییرات هدفمند و منتج از نیازهای جامعه، از وقوع انقلاب نیز جلوگیری کند. (عیوضی، ۱۳۹۱، ۲۴) تفاوت اساسی انقلاب و اصلاح در این است که اصلاحات عموماً از سوی حاکمان و در چارچوب نظم حقوقی حاکم و به منظور بهبود شرایط یا جلوگیری از وقوع انقلاب روی می‌دهد، اما انقلاب از سوی مردم و برای براندازی نظام حاکم پدید می‌آید. ناگفته نماند که اصلاحات در برخی موارد ممکن است موجب تسریع انقلاب یا فروپاشی رژیم‌های سیاسی یا بالعکس جلوگیری از وقوع انقلاب گردد. معمولاً در اصلاحات، خشونت دیده نمی‌شود، بلکه تلاش می‌شود تا اصلاحات در فضایی آرام صورت گیرد. (عیوضی، ۱۳۹۱، ۲۴)

۲.۲. کودتا

کودتا قیام مسلحانه عده‌ای معدود و مجهز است که مفهومی متمایز از مفهوم انقلاب است. تفاوت این دو مفهوم در آن است که انقلاب ماهیت مردمی دارد ولی کودتا چنین نیست، بلکه یک عده معدود که مسلح و مجهز به نیرو هستند در مقابل یک قدرت دیگر که آن هم احیاناً مسلح است قیام می‌کنند. البته در کودتا نیز وضع موجود در هم ریخته شده و

وضع جدیدی ایجاد می‌گردد. (داوود باوند، ۱۳۶۹، ۲)

۲.۳. نافرمانی مدنی

نافرمانی مدنی واژه‌ی دیگری است که مشابهت به معنای انقلاب دارد. نافرمانی مدنی از نظر اصطلاحی عبارت است از هر اقدام قانون شکنانه آشکار و عمدی که با هدف جلب توجه همگان به نامشروع بودن برخی قوانین یا نادرستی آن‌ها از جنبه اخلاقی و عقلانی صورت می‌گیرد. (علی آقابخش و مینو افشاری، ۱۳۷۹، ۵۸) با توجه به این تعریف مشخص می‌شود که نافرمانی مدنی عناصر لازم برای تشکیل انقلاب را ندارد. البته نافرمانی مدنی می‌تواند یکی از راهکارهای انقلابیون جهت مبارزه با نظام سیاسی و تغییر حکومت باشد.

۲.۴. شورش

شورش، واژه‌ای با بار ارزشی منفی است که عمدتاً از سوی مقامات حاکم به مبارزات افراد غیر حاکم مبارزه جو اطلاق می‌گردد. رابرت گر^۱ به عنوان یکی از برجسته ترین صاحب نظران در این حوزه بیان می‌کند که: "شورش را می‌توان نوع حاد تنش اجتماعی تعریف کرد که از لحاظ گستره جغرافیایی، تعداد شرکت کنندگان، خشونت به کار رفته و حجم مطالبات آن به مراتب از تنش اجتماعی فاصله می‌گیرد و این عمل در ادامه منطقی خود می‌تواند تا زیر سؤال بردن قدرت دولتی در کل حوزه مسئولیت هایش پیش رود و به نفی مشروعیت کل نظام و طرح شعار براندازی یا همان انقلاب اجتماعی منجر شود". (کلهر، ۱۳۹۱، ۱۱-۱۳) با این تعریف به نظر می‌رسد شورش، صرفاً محصول نارضایتی مردم است که حرکتی مقطعی یا واکنشی با ماهیت و دامنه‌های متفاوت است و گاه مقدمه حرکتی انقلابی قرار می‌گیرد. (ملکوتیان و سایرین، ۱۳۷۹، ۴)

۳. تاریخچه

در تاریخ عقائد سیاسی، واژه انقلاب به عنوان یک اصطلاح سیاسی از مفهوم و معنی مشخصی برخوردار نبوده است، به طوری که نظریه پردازان و فلاسفه مختلف با توجه به نگرش‌های مختلف و شرائط زمانی و مکانی متفاوتشان معانی مختلفی از این واژه ارائه داده اند. سابقه این واژه به دوران باستان بر می‌گردد. در این دوره انقلاب به معنای هرگونه تغییر و تحول خشونت آمیز معنا می‌دهد و در آثار افرادی چون سقراط و افلاطون و ارسطو به

معنای تحول اجتماعی حاد مطرح می‌شود. (کال ورت، ۱۳۵۸، ۳۵) در دوران قرون وسطی از آنجا که پاپ و کلیسا موفق به بسط حاکمیت خود بر کلیه امور در اروپا شده بودند مساله حفظ ثبات نظام در اولویت حکام مسیحی قرار گرفت و ایجاد تغییر در نظام که موهبت الهی قلمداد می‌شد نوعی عمل شیطانی به حساب می‌آمد. در این دوران سن توماس اکویناس قتل حاکم جبار در صورت تجویز کلیسا را مجاز اما اقدام به هرگونه قیام بدون اجازه کلیسا را ممنوع و حرام اعلام کرد (ویل دورانت، ۱۳۶۶، ج ۶، ۴۶). اما مفهوم انقلاب برای نخستین بار در دوران رنسانس به معنای متداول مورد بررسی قرار گرفت. در عصر رنسانس و همزمان با انقلاب انگلستان در قرن هفده نظریات اندیشمندانی چون ماکیاوولی، لاک و هابز مطرح گشت (بشیریه ۱۳۷۸، ۲) و در نهایت در قرن نوزدهم و همزمان با مطرح شدن نظریات مارکس و هگل و در اثنای انقلاب کبیر فرانسه به اوج خود نزدیک شد و در نهایت در قرن بیستم با انقلاب اکبر روسیه و چین به اوج خود رسید. (حاتمی، ۱۳۷۷، ۲۲) بی شک اولین و بزرگترین انقلاب در اسلام بعثت حضرت ختمی مرتبت و شکست پایه‌های جاهلیت و ایجاد بنای اسلام در جهان بوده است. در کشور ما نیز صرف نظر از قیام های مردمی در افسانه‌ها یا قیام های عمومی مشابه، برای اولین بار در دوران مشروطه است که واژه انقلاب مصطلح می‌شود و انقلاب اسلامی بهمن سال ۵۷ دومین انقلاب در ایران به شمار می‌رود. (عمید زنجانی، ۱۳۶۷، ۳۳۰).

۴.۱.۴. اقسام و انواع انقلاب

انقلاب‌ها را می‌توان به اعتبار میزان وجود عنصر خشونت در آن‌ها به دو دسته انقلاب‌های نرم و رنگین و انقلاب‌های سخت دسته بندی کرد. انقلاب سخت، همان انقلاب کلاسیک است که در آن عنصر خشونت به عنوان یکی از عناصر اصلی انقلاب در جهت براندازی نظام سیاسی و تغییر حکومت به چشم می‌خورد (شریفی، ۱۳۹۰، ۲۵). در مقابل، انقلاب نرم نوعی دگرگونی است که با حداقل خشونت انجام می‌گیرد که آن را برای اولین بار واسلاوهاول رئیس جمهور سابق چک که در آن زمان رهبر مخالفان این کشور بود، بر سر زبان‌ها انداخت. همچنین از جمله دگرگونی‌های سیاسی که از آنها با نام انقلاب‌های رنگین یاد می‌شود، واجد ویژگی‌های پیوسته و همگونی در علل و شکل تحولات می‌باشند، که عبارتند از: عدم استفاده از خشونت، وجود شعارهایی مبتنی بر دموکراسی خواهی و لیبرالیسم، نقش پررنگ دانشجویان و نهادهای غیردولتی در بروز آنها، وجود خصوصياتی

چون اقتدارگرایی، فقدان چرخش نخبگان، ناکارآمدی در حل مشکلات عمومی و عدم مقبولیت عمومی حکومت وقت به عنوان دلیل اصلی وقوع انقلاب، آغاز جرقه‌های انقلاب به دنبال بروز خطایی از سوی حکومت، نظیر تقلب در انتخابات و مواردی از این دست. (ابوطالبی، ۱۳۸۶، ۳۷)

متناظر این تقسیم بندی، تقسیم بندی دیگری است که استاد شهید مطهری در آن انقلاب‌ها را به دو دسته انقلاب فردی-درونی و اجتماعی-بیرونی تقسیم می‌کند. به نظر مرحوم شهید مطهری در انقلاب‌های فردی اثری از خشونت یا اجبار دیده نمی‌شود، بلکه انسان‌ها در یک دوره تغییرات و تحولات درونی در اندیشه‌ها و افکارشان ایجاد می‌شود و در انقلاب‌های اجتماعی و بیرونی همین افراد منقلب شده هستند که انقلاب اجتماعی را رقم می‌زنند و آنچه در این مرحله رخ می‌دهد می‌تواند متغیر باشد. (مطهری، ۱۳۶۰، ج ۲۴، ۲۱۰) لازم به ذکر است که مقصود از انقلاب درونی در این نگاه، موضوعی فراتر از مفهوم مورد بحث بوده و ناظر به تغییر و تحولات اجتماعی سیاسی نیست.

۵. مبانی فقهی و حقوقی انقلاب

در خصوص اینکه انقلاب‌ها اعم از انقلاب‌های نرم یا سخت بر اساس چه مبانی فکری قابل دفاع و طرح خواهند بود، در دو بخش مجزای فقهی و حقوقی می‌توان مواردی را به عنوان اصلی ترین مبانی یا علل موجهه‌ی انقلاب به شمار آورد.

۵.۱. مبانی فقهی

منظور از مبانی فقهی اصول مسلم فقهی است که انقلاب در اسلام بر اساس آن پایه ریزی می‌شود.

۵.۱.۱. امر به معروف و نهی از منکر

و جوب امر به معروف و نهی از منکر، مورد اتفاق همه فرق اسلامی است (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۲۱) و ادله مختلفی اعم از کتاب، سنت، اجماع و عقل بر وجوب آن اقامه شده است. بر این اساس مسلمانان در صورت مواجهه با معصیت نسبت به امر شارع مکلف به اقامه امر به معروف و نهی از منکر می‌شوند (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۱، ۳۵۲)

از سویی به اعتقاد شیعه در عصر حضور، «عصمت» از شرایط امامت و رهبری است، لذا حاکم غیرمعصوم با هر عملکردی جائز تلقی شده و دخالتش در مسایل حکومتی ناروا و غصب است، و در عصر غیبت نیز حاکمی که از سوی «امام معصوم» مأذون نباشد جائز و

غیر مشروع است. بر این اساس دستگاه حاکمه غیر مشروع و غاصب خواهد بود و حق فرمانروایی ندارد. (امام خمینی، ۱۴۲۱ ج ۲، ۶۲۷-۶۵۴) در چنین شرایطی که یکی از اصلی ترین دستورات شارع مقدس که اسقاط حکومت نامشروع و جائز و برقراری حکومت عادلانه اسلامی است مورد نافرمانی قرار می گیرد؛ انجام امر به معروف و نهی از منکر بر تمامی مسلمین واجب است (ورعی و ناصری، ۱۳۸۸، ۱۵۶) که این امر سبب اقدام همگانی مردم در طی مراحل چهارگانه امر به معروف و نهی از منکر جهت رسیدن به حکومت اسلامی و عادلانه مطلوب می گردد. به بیان دیگر اگر بخواهیم مفهوم انقلاب را در چارچوب اسلام بررسی کنیم شاید بتوان گفت انقلاب، امر به معروف و نهی از منکر است که از طرف مردمی آگاه، متحول و شعور یافته با انتخاب و اختیار به طور همزمان و جمعی در مقابل سلطان و یا هیات حاکمه جائز و متخطی طی مراحل خاص و به منظور تغییر و تحول در ساخت ها، نهادها، ارج ها و ارزش های مسلط و به تعبیر صحیح تر احیای سنن و معارف الهی و محو بدعت ها و تحریف ها و منکرات تحت رهبری واجد شرایط صورت می گیرد. (حاتمی، ۱۳۷۷، ۱۴)

۵، ۱، ۲. اطلاق و عمومات جهاد و لزوم مبارزه با ظلم

از سایر مبانی و ادله ای که برای اثبات جواز یا وجوب انقلاب به آنها استناد شده است می توان به مواردی همچون جهاد، نفی سلطه اجانب و وجوب مبارزه با ظلم اشاره نمود.^۱ به عنوان نمونه فقها با استناد به اطلاقات و عمومات ادله فقهی جهاد، اقسام مختلف آن از جمله جهاد با نفس، جهاد سیاسی، جهاد اجتماعی را بر شمرده اند که جهاد علیه حکومت های غیر اسلامی نیز یکی از این اقسام است (کعبی، ۱۳۹۲، ۱۲-۱۶). ظلم ستیزی و مبارزه با ظالم نیز به عنوان یکی از مبانی فقهی انقلاب علیه حکومت های غیر اسلامی قابل استناد است. علاوه بر حرمت ظلم و همکاری و یاری رساندن به ظالم (انصاری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۶۰-۱۶۲)، مخالفت و مبارزه با ظلم نیز واجب است و بر مبنای آن برای از بین بردن ظلم در جامعه وظیفه آحاد امت به حساب می آید. (ورعی و ناصری، ۱۳۸۸، ۱۷۹)^۲

۱. برای مطالعه بیشتر رک: ۱- کعبی عباس، شرح فقهی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل اول)، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۲، صص ۱۲-۱۸، ۲- ورعی و ناصری، مبانی فقهی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی، حکومت اسلامی، ۱۳۸۸، صص ۱۵۵-۱۸۸.

۲. برای مطالعه بیشتر رک: وحید بهبهانی، حاشیه مجمع الفائدة و البرهان، موسسه علامه المجدد الوحید

۵،۱،۳. لزوم خروج بر حاکم جائز و وجوب تبعیت از امام عادل

با عنایت به اختصاص ولایت به معصومین و جانشینان ایشان در حکومت اسلامی، حکام جائز حقی برای حکومت ندارند و غاصب حق محسوب می‌شوند. (سبحانی، ۱۳۷۰، ۱۰۳-۱۰۶) لذا اگر حاکم جائری حکومت را غصب نماید مردم مکلفند گرد حجت خدا یا جانشینان وی در دوران غیبت جمع شده و پس از بیعت به رهبری او اقدام به جهاد نرم یا سخت نموده و حکومت را به صاحب اصلی اش بازگردانند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۱۱۱) علت اصلی دور ماندن ائمه معصومین از حکومت و مردم از حاکم عادل نیز در حقیقت ریشه در عدم انقلاب درونی افراد جامعه در راستای اجرای اوامر الهی^۱ و به تبع آن عدم وقوع انقلاب مردمی به منظور بازگرداندن حکومت به صاحبان اصلی آن دارد.^۲

به بیان دیگر باید گفت انقلاب در نظام اسلامی متشکل است از امامت که نقش رهبری را در انقلاب بر عهده دارد و امت که همان مردم تحت رهبری امام هستند که این دو در صورتی که تشکیل ملت به معنای اندیشه و هدف واحد بدهند می‌توانند با روش‌هایی مانند امر به معروف و جهاد انقلاب مصطلح را شکل دهند.

با استناد به ادله و مبانی فوق، فقها قیام علیه حاکم غیر اسلامی را واجب می‌دانند. چرا که عدم اقدام برای براندازی حاکم غیر اسلامی منجر به استقرار و دوام حاکمیت او می‌گردد و این امر مورد نهی خداوند متعال قرار گرفته است و با احکام دینی مانند وجوب امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و وجوب تشکیل حکومت اسلامی در تعارض است و با استفاده از آنها حکم وجوب انقلاب بر عهده مسلمانان ثابت می‌گردد. (کعبی، ۱۳۹۲، ۱۸) البته همانگونه که روشن است این موارد را نیز می‌توان مواردی از دستور کلی امر به

البهبهانی، بی تا، ۵۸۲.

۱. در ادبیات اسلامی انقلاب و تغییر حاکم جائز، کاملاً وابسته به انقلاب درونی افراد است و آیاتی چون آیه ۱۱ سوره رعد (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند. حکایت از این ماجرا دارد.

۲. اگر اقوام را متشکل از افراد منفرد بدانیم، وظیفه هر فرد جهت احقاق انقلاب و سقوط نظام حاکم جائز، خودسازی و انقلاب درونی است. این انقلاب درونی در افراد از طریق انجام امر به معروف و نهی از منکر به تمامی بدنه اجتماع منتقل می‌شود و می‌تواند سبب انقلاب درونی در تمامی افراد جامعه شود و به انقلاب اجتماعی و سیاسی در جامعه و حاکمیت منجر گردد.

معروف و نهی از منکر به شمار آورده و در نتیجه مهمترین مبنای فقهی انقلاب را وجوب امر به معروف و نهی از منکر قلمداد نمود.

۵،۲. مبنای حقوقی انقلاب

وقوع انقلاب‌ها موجب از بین رفتن نظام‌های سیاسی سابق می‌گردد و قاعدتا هیچ نظامی اسقاط خود را مشروع نمی‌داند. با این حال باید اشاره کرد لزوم احقاق حق تعیین سرنوشت افراد در جامعه در مواقعی تمرّد و نافرمانی مدنی را تجویز می‌کند که مبنای این حق را باید در بحث الزام به تعهد سیاسی مردم و دولت جست و جو کرد.

۵،۲،۱. تعهد سیاسی و حق تمرّد

تبعیت از نظام‌های سیاسی ارتباط تام با مفهوم الزام سیاسی دارد و انقلاب دقیقا نقطه مقابل تبعیت سیاسی است. آنچه می‌بایست مد نظر قرار گیرد این است که افراد به چه دلیل و بر چه مبنایی باید از حکومت اطاعت نمایند. این بحث نه محصول دهه‌های اخیر بلکه امری تاریخی است که آغازگر فلسفی آن سقراط است و با این سوال آغاز می‌شود که هنگامی که یک شهروند قانونی را ناعادلانه بداند آیا باید قانون را نقض کند و برابر بی عدالتی دولت به اعتراض بپردازد یا نه؟ (هارت، ۱۳۸۸، ۳۶). در اصل بین شهروندان و دولت تعهدی دوجانبه وجود دارد، شهروند در ازای گرفتن مزایای خاص از دولت متعهد به اطاعت از دولت است و می‌بایست از قوانین او اطاعت کند، در غیر این صورت باید به جای دیگری کوچ کند. لذا اینگونه ادعا شده است که شهروند با فرض عدم دریافت امتیاز از دولت حق نافرمانی مدنی بر دولت را به دست خواهد آورد (امیدی، ۱۳۹۰، ۷). ظاهرا می‌بایست در نظریاتی که مبنای حکومت و مشروعیت را توافق مردم می‌دانند، به راحتی راه برای توجیه مفهوم تمرّد از حکومت وجود داشته باشد. البته در این حالت هم در تعیین مرجع تعیین فراسیدن زمان تمرّد اختلاف و اشکال پیش می‌آید. (بوای و سیمون، ۱۳۷۹، ۱۶۵) باید گفت در حکومت‌های مبتنی بر دموکراسی، نظریه نافرمانی مدنی به عنوان مبنای توجیه تمرّد در برابر حکومت بیان شده است. همچنین بیان شده است طبق اصل پابندی به تعهد، از سوی دیگر ماهیت قرارداد دولت و شهروند می‌بایست اخلاقی باشد، و اگر این قرارداد حقوق طبیعی شهروند را نقض کند دیگر طبق اصول اخلاقی اجباری در ایفای تعهد نیست و شهروند از اطاعت از قرارداد معاف می‌گردد. (سروش، ۱۳۸۱، ۸۰)

۵،۲،۲. حق تعیین سرنوشت

مبنای بعدی می‌تواند حق تعیین سرنوشت باشد که یکی از بنیادی‌ترین حقوق اقوام و ملل گوناگون است و به این معناست که انسان خود درباره سرنوشت خویش و مصلحت خود تصمیم بگیرد و شیوه زندگانی خود و حتی نظام سیاسی خود را تعیین کند.

حق مشارکت در حکومت و تعیین سرنوشت، در ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱، بندهای الف، ب و ج ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ و سایر اسناد بین‌المللی^۳ قابل مطالعه و بررسی است و البته نتیجه اهتمام جامعه بین‌الملل به مسئله حق تعیین سرنوشت این بود که در فاصله سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۷ حدود ۷۵ کشور به استقلال رسیده‌اند. (آقمشهدی و شیرانی، ۱۳۹۲، ۱۰۰) البته در این رابطه نیز باید گفت که همان‌گونه که در متن اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز آمده است حق تعیین سرنوشت به معنای عدم شناسایی نظام‌های دمکراتیک کنونی نیست و حق دولت‌ها در حفظ نظم و امنیت محفوظ است.

۶. انقلاب در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران

در مقدمه و متن قانون اساسی واژه انقلاب به دفعات به کار رفته است و به نظر نگارنده در بیشتر موارد منظور از انقلاب در قانون اساسی مفهومی ایدئولوژیک و به معنای حرکتی

۱. ماده ۲۱: الف) هرکس حق دارد مستقیماً" یا به وسیله نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند در اداره امور عمومی کشور خود شرکت جوید.

ب) اراده ملت اساس قدرت اختیارات ملی است، این اراده به وسیله انتخابات شرافتمندانه صورت می‌گیرد که دوره به دوره از طریق انتخابات عمومی یکسان، با رای مخفی یا بنا به روشی مشابه با آن که آزادی رای را تامین کند انجام می‌یابد.

۲. ماده ۲۵: هر انسان عضو اجتماع حق و امکان خواهد داشت بدون (در نظر گرفتن) هیچ یک از تبعیضات مذکور در ماده ۲ و بدون محدودیت غیرمعقول:

الف - در اداره امور عمومی بالمباشره یا بواسطه نمایندگان که آزاد انتخاب شوند شرکت نماید.

ب - در انتخابات ادواری که از روی صحت به آراء عمومی مساوی و مخفی انجام شود و تضمین کننده بیان آزادانه اراده انتخاب کنندگان باشد رأی بدهد و انتخاب بشود.

ج - با حق تساوی طبق شرایط کلی بتواند به مشاغل عمومی کشور خود نائل شود.

۳. مواد ۲۰، ۲۴، ۳۱، ۳۴ و ۳۸ اعلامیه آمریکایی حقوق بشر، بندهای الف، ب و ج ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۳ پروتکل اول کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۱۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بندهای اول و دوم از ماده ۲۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، و مواد ۱۳ (بندهای اول و دوم) ۲۷ (بند اول) و ۲۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها

برای پیروزی تمام ملت‌های مستضعف جهان تلقی می‌شود.

مقدمه قانون اساسی ویژگی بنیادین این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران را در سده اخیر، مکتبی و اسلامی بودن آن بیان می‌کند و سه عنصر "مرکزیت امام" به عنوان رهبری اسلامی و روشنگر، "مکتب انقلابی و پر بار اسلام" به عنوان ایدئولوژی و "پشتوانه مردمی" را تلویحا عناصر پیروزی انقلاب به شمار می‌آورد و تلاش پیگیر و ثمر بخش روشنفکران و روحانیون در بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری ملت مسلمان را شیوه پیروزی انقلاب می‌داند. همچنین از انقلاب اسلامی ایران به عنوان نهالی تازه به بار نشسته یاد می‌کند که حاصل پیروی "امت" از "امام" خویش است. این نهال می‌بایست در درون کشور تکامل یابد و در اصل دوم از تداوم آن به وسیله "امامت و رهبری مستمر" یاد شده است. به علاوه اصل یکصد و هفتم قانون اساسی مرزهای جغرافیایی را نادیده انگاشته و از بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران به "رهبری انقلاب جهانی اسلام" یاد کرده است.

آنچه از روح حاکم بر قانون اساسی برداشت می‌شود این است که نظام فعلی که بر مبنای اعتقاد راسخ به حاکمیت الله پی ریزی شده، حاصل اعتقاد درونی مردم ایران است و تا زمانی که این اعتقاد به قوت خود باقی باشد هیچ انقلابی به معنی مصطلح قابل تحقق نخواهد بود. در نظام اسلامی مطابق عقیده‌ی حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکم اسلامی همان پیامبر^(ص) و پس از ایشان امام معصوم^(ع) است که مشروعیت خود را از خداوند اخذ می‌کند و حجت خدا نامیده می‌شوند و حکومت صرفا حق ایشان یا جانشینان ایشان است. در مقابل چنین فردی انقلاب و تغییر نظام شرعا جایز نیست و حتی جهاد با اهل بغی و شورشیان امری واجب و ضروری برای مسلمین به حساب می‌آید. البته در مقابل، در صورت انحطاط نظام و خروج از حاکمیت الهی نیز شاید انقلاب بتواند در چارچوب امر به معروف و نهی از منکر مذکور در اصل هشتم قانون اساسی تلقی گردد که به این موضوع باید در بحث امر به معروف و نهی از منکر پرداخت.

لذا در قوانین و مقررات داخلی، همچون سایر نظام‌های حقوقی نمی‌توان جایگاه موجهی برای انقلاب مشاهده نمود، چراکه همانگونه که لازمه‌ی مفهوم انقلاب است، نوعی فعالیت خارج از چارچوب قانون در انقلاب به وقوع می‌پیوندد و لذا قانون جواز چنین امری را صادر نخواهد نمود، هرچند از بسیاری از موارد آزادی‌های عمومی می‌توان در جهت تسهیل انقلاب بهره‌برداری نمود، که از موضوع نوشته حاضر خارج است. البته می‌بایست انقلاب اسلامی در

معنای ایدئولوژیک آن مورد پاسداری قرار گیرد و تداوم و استمرار یابد تا به انقلاب جهانی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف متصل گردد.

جمع بندی

انقلاب که در لغت به معنای برگشتن از حالی به حال دیگر و معانی مشابهی است، در اصطلاح به معنای حرکتی ناشی از اتحاد و بسیج نیروهای مردمی توسط رهبر یا رهبران انقلاب در راستای براندازی حکومت سیاسی و ایجاد حکومتی جدید بر اساس اعتقادات آنان است. انقلاب از حیث خروج از چارچوب های حقوقی-سیاسی و وضع موجود با اصلاحات سیاسی متفاوت بوده و تفاوت آن با کودتا نیز در مردمی بودن آن است. شورش نیز مفهومی شبیه انقلاب است که دارای بار ارزشی منفی بوده یا از رهبری واحد برخوردار نیست.

انقلاب ها را به اعتبار میزان وجود عنصر خشونت در آن ها به دو دسته انقلاب های نرم و رنگین و انقلاب های سخت دسته بندی کرده اند. همچنین در ادبیات دینی از انقلاب های درونی و بیرونی یا اجتماعی یاد شده است.

مواردی همچون وجوب امر به معروف و نهی از منکر، لزوم خروج بر حاکم جائز و وجوب تبعیت از امام عادل و اطلاق و عمومات جهاد و لزوم مبارزه با ظلم را می توان از مهم ترین مبانی فقهی انقلاب دانست. حق تعیین سرنوشت و حق تمرد را نیز از جمله مبانی حقوقی آن بر شمرده اند. با عنایت به خروج انقلاب از چارچوب های قانونی، شاید نتوان در قوانین داخلی کشورها موضوعی ناظر به آن مشاهده کرد، بلکه به عکس معمولاً قواعدی در جهت کنترل و مقابله با انقلاب ها مشاهده می شود که در مباحث دیگری باید به آنها پرداخته شود. در قوانین داخلی نیز به همین تناسب و همچنین با عنایت به مشروع دانستن نظام حاکم، نمی توان مؤیدی بر جواز انقلاب جز در چارچوب امر به معروف و نهی از منکر مشاهده نمود و لذا منظور از انقلاب که در مقدمه و برخی اصول قانون اساسی به آن اشاره شده است مفهومی ایدئولوژیک و به معنای تغییر و تحول و حرکتی برای پیروزی تمام ملت های مستضعف جهان است.

منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۶۷)، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، کتاب سیاسی
۲. محمدرضا حامی، (۱۳۷۷) نظریه انقلاب در اسلام، تبلیغات اسلامی
۳. آرنه هانا، (۱۳۷۷)، انقلاب، عزت الله فولادوند، خوارزمی
۴. کال ورت، پیتیر، (۱۳۵۸)، انقلاب، ابوالفضل صادقیور، دانشگاه تهران،
۶. باوند هرمیداس، داوود (۱۳۶۷)، تئوری انقلابها و نهضتهای آزادی بخش، دانشگاه امام صادق علیه السلام
۸. سروش، محمد، (۱۳۸۱)، مقاومت و مشروعیت، تاملی بر حق تمرد بر دولت و در دولت، حکومت اسلامی، سال هفتم شماره سوم
۹. ورعی وناصری، (۱۳۸۸) مبانی فقهی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی، حکومت اسلامی، ، سال چهاردهم، شماره اول
۱۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۰) مجموعه آثار، ج ۲۴، صدرا
۱۲. ملکوتیان، مصطفی و سایرین (۱۳۷۹)، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، انتشارات معارف
۱۳. ابوطالبی، مهدی، (۱۳۸۶) انقلاب رنگین، معارف، شماره ۴۹
۱۴. محمدی منوچهر، (۱۳۸۱) انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها، دفتر نشر معارف
۱۵. ارسطو محمد جواد، جایگاه تکلیف الهی و بیعت در قیام امام حسین (ع) (حکومت اسلامی، شماره ۳
۱۶. افتخاری اصغر، و همکاران (۱۳۸۷)، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، انتشارات امام صادق علیه السلام
۱۷. شریفی احمد حسین (۱۳۶۱)، جنگ نرم، موسسه امام خمینی
۱۸. وزیری، علیرضا، جنگ نرم، نشریه مبلغان، ۱۳۶۱، شماره ۱۴۵

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. آرنت هانا، (۱۳۷۷)، انقلاب، عزت الله فولادوند، خوارزمی
۳. آقمشهدی و شیرانی، (۱۳۹۲) حق تعیین سرنوشت در اسناد بین المللی و قرآن کریم، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، شماره سوم
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی
۵. ابوطالبی، مهدی، (۱۳۸۶) انقلاب رنگین، معارف، شماره ۴۹
۶. امیدی، مهدی، (۱۳۹۰) تحلیل مفهوم، مفاد و ماهیت توجیهی الزام سیاسی، معرفت سیاسی، سال سوم، شماره اول
۷. باوند هرمیداس، داوود (۱۳۶۷)، تئوری انقلابها و نهضت‌های آزادی بخش، دانشگاه امام صادق علیه السلام
۸. بشریه، حسین، (۱۳۷۸) انقلاب و بسیج سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران،
۹. بوای و سیمون، ۱۳۷۹، نافرمانی مدنی؛ تأملی در رابطه قانون و نظم، فصلنامه مطالعات راهبردی دوره ۳ شماره ۱۰
۱۰. سبجانی جعفر، (۱۳۷۰) مبانی حکومت اسلامی، انتشارات توحید.
۱۱. سروش، محمد، (۱۳۸۱)، مقاومت و مشروعیت، تأملی بر حق تمرد بر دولت و در دولت، حکومت اسلامی، سال هفتم شماره سوم
۱۲. شریفی احمد حسین (۱۳۹۰)، جنگ نرم، موسسه امام خمینی
۱۳. عمید زنجانی عباسعلی، (۱۳۸۳) فقه سیاسی، ج ۲، انتشارات امیر کبیر.
۱۴. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۶۷)، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، کتاب سیاسی
۱۵. عمید، حسن، (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی عمید، امیرکبیر
۱۶. عیوضی، محمد رحیم، (۱۳۹۱) درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، دفتر نشر معارف، قم،
۱۷. کال ورت، پیتر، (۱۳۵۸)، انقلاب، ابولفضل صادقیپور، دانشگاه تهران،

۱۸. کلهر، حسن، (۱۳۹۱) درآمدی بر نهضت‌های بسیجی و بسیج نهضت‌ها، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج
۱۹. کعبی عباس، (۱۳۹۲) شرح فقهی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل اول)، مرکز تحقیقات شورای نگهبان.
۲۰. گی روشه، (۱۳۶۶) تغییرات اجتماعی، ترجمه منوچهر وثوقی، نشرنی،
۲۱. محمدرضا حاتمی، (۱۳۷۷) نظریه انقلاب در اسلام، تبلیغات اسلامی
۲۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۰) مجموعه آثار، ج ۲۴، صدرا
۲۳. ملاصدرا شیرازی، صدرالدین محمد، (۱۳۶۸)، الحکمه المتعالیه فی الاسفارالعقلیه الاربعه، مصطفوی، ج ۸
۲۴. ملکوتیان، مصطفی و سایرین (۱۳۷۹)، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، انتشارات معارف
۲۵. ورعی وناصری، (۱۳۸۸) مبانی فقهی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی، نشریه حکومت اسلامی.
۲۶. ورعی وناصری، (۱۳۸۸) مبانی فقهی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی، حکومت اسلامی، ، سال چهاردهم، شماره اول
۲۷. ویل دورانت (۱۳۶۶) تاریخ تمدن، کتاب ششم اصلاح دینی ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
۲۸. هارت، هربرت، (۱۳۸۸) الزام قانونی اخلاق، ترجمه محمد راسخ، آیین، شماره ۲۴، ۲۵
۲۹. هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۷۵) سامان سیاسی در جوامع دستخوش تغییر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، نشر علم
۳۰. محمدی، منوچهر، (1380) انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها، دفتر نشر معارف.
۳۱. معین، محمد، (۱۳۸۹) فرهنگ فارسی معین، امیرکبیر.
۳۲. نخعی هادی، (۱۳۹۰) انقلاب بغرنجی در مفهوم تحول در مصداق، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۴، ، صص ۱۳۱-۱۷۰.
۳۳. قدوسی زاده حسن، (۱۳۹۰) اصطلاحات سیاسی فرهنگی، دفتر نشر معارف.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



یزوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir